

## ویژگی ها و شاخصه های نظام آموزشی امام صادق (ع)

دکتر فاطمه جان احمدی دانشیار گروه تاریخ دانشگاه الزهرا  
مهدی نیک آفرین آلتق کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن اسلامی

### چکیده

وجود انحرافات فرهنگی و بدعت های دینی در عصر امویان لزوم بازنگری در فرهنگ اسلامی، بویژه فرهنگ مذهب تشیع را فزونی بخشیده بود. مناسب ترین شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مختص عصر امامین صادقین است که فرصتی مناسب را برای انجام فعالیت های فرهنگی فراهم آورد. امام صادق (ع) از بسترها و زمینه های موجود عصر خویش بهره جست و توانست با انجام فعالیت های فرهنگی گسترده، نظام فرهنگی جامعه شیعه را طراحی و مدیریت نماید. از محورهای مهم فعالیت آن حضرت، طراحی نظام آموزشی منسجم است که مولفه های ویژه ای را به خود اختصاص داده است. نظام آموزشی امام صادق (ع) می تواند الگوی مناسبی برای ساماندهی نظام آموزشی جامعه اسلامی باشد. از این رو شناخت و معرفی ویژگی ها و شاخصه های نظام آموزشی امام صادق (ع) ضروری به نظر می رسد. هدف مقاله حاضر پاسخ به این پرسش است که: مهم ترین ویژگی ها و شاخصه های نظام آموزشی امام صادق (ع) چه بود؟ با بررسی منابع و گردآوری اطلاعات لازم و پردازش آنها به شیوه توصیفی - تحلیلی نتایج ذیل:

خدامحوری، عقلانیت، فرامذهبی، پژوهش محوری، تخصص گرایی و تنوع در آموزش به دست آمده است.

**واژگان کلیدی:** نظام آموزش، عصر امام صادق (ع)، تمدن اسلامی، مهندسی فرهنگی، تعلیم و تربیت.

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۰/۹/۱۹

E-mail: janahmad2004@yahoo.com

## مقدمه

اهتمام دین اسلام به امر آموزش و یادگیری سبب شده است که این مساله ویژگی بارز تمدن اسلامی به شمار آید. تشبیهات و کنایه‌های بلیغ قرآن کریم در باب اهمیت علم، دلیل روشن جایگاه رفیع دانش در کتاب مقدس مسلمانان است. تاکیدات پیامبر اکرم(ص) بر فراگیری علم و برداشته شدن مرزهای زمانی و مکانی در مسیر آموزش در بیانات ایشان، گواه ارزش والای مساله تعلیم و تربیت در متن اسلام است. ائمه شیعه به عنوان وارثان اصلی علوم نبوی، همواره توجه ویژه‌ای بر امر دانش و دانش افزایی داشته، تلاش شایسته‌ای برای انتشار علوم در جامعه اسلامی، انجام دادند. فرمایشات حضرت علی(ع) و امامین حسنین(ع)، آموزش‌های امام سجاد(ع) که بیشتر در قالب دعا و مناجات بوده و فعالیت‌های امام باقر(ع) و تشکیل درس ایشان در مدینه، نشان می‌دهد که این مساله همواره از مهم‌ترین دغدغه‌های ائمه شیعه بوده است، لکن شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه اسلامی، فرصت کمتری را در اختیار ایشان قرار می‌داد و فضا برای ایجاد یک نظام آموزشی منسجم فراهم نبود. در عصر امام صادق(ع)، شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه اسلامی متحول شد. در این دوره زمینه‌های شکوفایی علمی مسلمانان فراهم آمده و موانع رشد فرهنگی شیعه تا حدی برداشته شد. امام صادق(ع) نیز از فرصت‌های موجود بهره جست و نظام آموزشی گسترده‌ای را طراحی و مدیریت کرد. در زمینه نظام آموزشی امام صادق(ع) تحقیقات قابل توجهی انجام نگرفته است. البته در لابلای تحقیقاتی که درباره امام صادق(ع) انجام گرفته، به صورت استطرادی اشاراتی به فعالیت‌های فرهنگی آن حضرت، مشاهده می‌شود، ولی به هیچ عنوان چنین توجهاتی، انعکاس دهنده تصویری کامل از مبانی، ویژگی‌ها و روش‌های نظام آموزشی امام صادق(ع) نیست. اگر چه دکتر عادل ادیب در بخشی از کتاب خود به نام «زندگانی تحلیلی پیشوایان ما»، دکتر احمد رضا خضری در قسمتی از کتاب «تاریخ تشیع»، رسول جعفریان در کتاب «حیات فکری و سیاسی امامان شیعه»، علی محمد علی الدخیل در کتاب «لائمتنا»، هاشم معروف الحسنی در کتاب «سیره الائمه الاثنی عشر» و همچنین استاد شهید مرتضی مطهری در کتاب ارزشمند «سیری در سیره ائمه اطهار»، به بخشی از فعالیت‌های فرهنگی امام صادق(ع) پرداخته‌اند.

در مقاله حاضر تلاش شده است، با توصیف و تحلیل داده‌های تاریخی و روایی، مهم‌ترین ویژگی‌ها و شاخصه‌های نظام آموزشی امام صادق(ع) بررسی شود.

## مفهوم شناسی

نظام مجموعه قوانین، قواعد، سنن، یا نوامیسی که قوام و انتظام چیزی بر آن نهاده شده است (انوری، ۱۳۸۲، ج ۸: ۷۸۵۳).

آموزشی: عمل آموختن و یادگیری (همان، ج ۱: ۱۶۱).

نظام آموزش امام صادق(ع): مراد از آن مجموعه ای از اجزاست که برای نیل به اهداف عالی آموزش توسط امام صادق(ع) طراحی و توسعه داده شده است.

بسترها و زمینه های تشکیل نظام آموزشی در عصر امام صادق(ع)

رخدادهای مهم واپسین سالیان حکمرانی امویان عرصه و مجال برای رشد تکاپوهای فرهنگی شیعه فراهم آورد. شکل گیری بحران های سیاسی، اوج گیری شورش های اجتماعی، آغاز دعوت عباسیان، آشفتگی فرهنگی و شور و نشاط علمی در این دوره، از جمله مهم ترین زمینه های ترسیم ساکله فرهنگی تشیع در عصر امام صادق(ع) به شمار می آید. در این دوره، جریان های فکری و مذهبی مثل زنادقه، مرجئه، صوفیه، حنفی و مالکی در این دوره ظهور کردند و نوعی شور و نشاط علمی بی نظیر در دنیای اسلام به وجود آوردند.

## ویژگی ها و شاخصه های نظام آموزشی امام صادق(ع)

### ۱- خدا محوری

نظام آموزشی امام صادق(ع) بر محوریت شناخت و معرفت الهی شکل گرفته است. همانگونه که همه اجزای عالم، هدفدار است و به سوی خداوند روانند، معرفتی را هم که ما باید کسب کنیم باید در جهت شناخت خداوند و در جهت تحقق اهداف الهی باشد. امام صادق می فرماید: «جملگی دانش مردمان را در چهار چیز یافتیم: ۱- پروردگارت را بشناسی ۲- بدانی که تو را چگونه آفریده است ۳- بدانی از تو چه می خواهد ۴- بدانی چه چیزی تو را از دینت خارج می کند.» (صدوق، ۱۴۰۳، ج ۱: ۲۳۹). از این بیان، محوریت شناخت الهی در آموزش روشن می شود. بنابراین هر انسانی باید به عنوان یکی از آحاد این نظام گسترده حقایق عالم را کشف کند و دانش خود را برای اقامه عدل و قسط به کارگیرد که نتیجه آن جامعه ای هماهنگ است که بر اساس دستورات الهی استعدادهای درونی انسان در آن شکوفا می شود.

در اندیشه امام صادق(ع) تکامل انسان در رسیدن به عبودیت الهی است و رسالت نظام آموزشی صرفاً انتقال دانش نیست، بلکه نظام آموزشی نظام تعلیم و تربیت است و این امر زمانی محقق می‌شود که هدف اصلی آن تکامل روحی و معنوی شاگردان باشد.

نظام آموزشی کنونی در غرب، بر مبنای اندیشه سکولار و **humanism** و بر محوریت خواست بشر در جهت توسعه معاش و تمتع هر چه بیشتر از لذایذ مادی و دنیوی با روش غلبه بر طبیعت بنا شده است. این نظام که به دنبال جدایی علم و دین در غرب شکل گرفته، مهم‌ترین هدفش تربیت کادرهای مورد نیاز تمدن غرب است. بدین ترتیب برای اصلاح آن باید مبانی علوم را بار دیگر بر معتقدات دینی و محوریت خداوند بنا کرد. این ایراد، فراتر از سیستم آموزشی غرب، متوجه تمدن غرب است که برای ماندگار شدنش، نیازهای تخصصی خویش را از طریق این نظام آموزشی برآورده می‌کند. در کشور ما نیز محوریت خداوند در نظام آموزشی هنوز لباس عمل نپوشیده است و همخوانی مناسبی با نظام آموزشی امام صادق(ع) ندارد. در نظام تعلیم و تربیت امام صادق(ع)، تحصیل علم با عبودیت الهی عجین شده بود. اولین دانشگاه آن حضرت مسجد بود. دانشمندان بزرگ مسلمان با وضو وارد حجره‌های مسجد می‌شدند و در زمان نماز، نماز را با جماعت اقامه می‌نمودند، در حالی که امروز در ایران در محدود مدارس ما نماز بر پا می‌شود و به نظر می‌رسد ریشه بی‌ثباتی اخلاقی نسل امروز و مشکلات فرهنگی امروز جامعه را باید در چگونگی رفتار آموزشی جامعه که از نظام تعلیم و تربیت اسلامی فاصله گرفته است، جست و جو کرد.

نظام آموزشی امام صادق(ع) نظام تعلیم و تربیت است، از این رو معلمان و مربیان اصلی این نظام باید از خطا مصون باشند تا در فرآیند آموزش خللی رخ ندهد. لذا آن حضرت ابتدا مردم را به معصومین توجه داده و نجات علمی و فرهنگی مسلمانان را در گرو اخذ تعلیم از معدن رسالت، دانسته است. شیخ صدوق از ابابصیر روایتی نقل می‌کند که حضرت فرمود: «ای ابابصیر، درخت دانش، ما خاندان پیامبر(ص) هستیم. جبرئیل در خانه ما فرود می‌آمد و ما ییم خزانه دار علم خداوند و معادن روح خدا، هر کس از ما پیروی کرد نجات یافت و هر کس از ما تخلف کرد هلاک شد و این حقی است بر خداوند» (صدوق، ۱۳۶۲: ۳۰۷). از این رو معلمان، مربیان و اساتید مراکز آموزشی در مرتبه اول، باید خودشان تربیت یافته مکتب اهل بیت باشند تا بتوانند دانش پژوهان را مطابق با نظام تعلیم و تربیت امام صادق(ع) پرورش دهند.

در یک نظام آموزشی با ساختاری خدا محور، نوع گرایش علمی که در اولویت انتخابی قرار می‌گیرد، باید در جهت نیل به معرفت و شناخت و قرب الهی باشد. از این رو، در اندیشه امام صادق(ع)

علوم دینی در اولویت قرار گرفته است. آن حضرت می فرماید: «مسائل دین را خوب بفهمید و عرب بیابانی نباشید، زیرا که هرکس مسائل دین خدا را نفهمد، روز قیامت خدا به او نظر نکند و کردار او را پاک نسازد» (کلینی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۴۸). همچنین می فرماید: «لوددت ان اصحابی ضربت روءسهم بالسباط حتی یتفقها» و می فرماید: «وقتی خداوند خیر بنده ای را خواهد او را خوب دین فهم کند.» (همان: ۴۹) از این روایات، می توان به جایگاه علوم دینی در آموزش و همچنین نقش آن در هدایت و کمال انسان پی برد.

در یک نظام آموزشی که در مسیر کمال الهی قرار دارد، رعایت اخلاق جزء اصول لاینفک آن است. در فضاهای آموزشی اگر عالم و متعلم به زیور ادب آراسته نشوند، علاوه بر پیدایش مشکلات داخلی در محیط آموزشی، آثار سوء فرهنگی آن، گریبان گیر کل جامعه خواهد شد. چون معلمان و متعلمان حامل پیام های فرهنگی در جامعه هستند. در اندیشه امام صادق(ع) محیط آموزش باید سرشار از عواطف و صمیمیت باشد. از این رو آن حضرت به شاگردانش سفارش می کرد: «علم را با حلم و وقار مزین کنید و در مقابل استاد و شاگرد خود متواضع باشید» (همان: ۵۳). حضرت سعی داشت این روحیه را در نظام آموزشی خود عملیاتی کند و میان ایشان و شاگردانش ارتباطی سرشار از علاقه و محبت حاکم نماید؛ مثلاً وقتی ابان بن تغلب بر حضرت صادق(ص) وارد شد، حضرت برخاست و با او معانقه و مصافحه نمود، و امر فرمود تا بالشی را برای وی اضافه کنند و در پشتش دو بالش قرار دهند، و با تمام وجه خود به سوی او متوجه شد و نگاه کرد و اقبال نمود. وقتی خبر مرگ ابان را برای حضرت آوردند فرمود: *أما والله لقد أوجع قلبي موت أبان!* «سوگند به خدا آگاه باشید و بدانید که مرگ ابان، دل مرا به درد آورد!» (طوسی، بی تا: ۴۴)

در سایه تربیت امام، شاگردان نیز همواره به استاد خویش عشق ورزیده و از علم، حلم، تقوا و سعه صدر آن حضرت تعریف می کردند که نمونه معروف آن سخنان ابوحنیفه و مالک بن انس، بنیان گذاران دو فرقه بزرگ اهل سنت، است.

امام صادق(ع) خودش اخلاق علمی را در مجالس علمی رعایت می فرمود تا دیگران نیز الگو بگیرند؛ به عنوان نمونه، آن حضرت در مناظرات، ضمن گفت و گوهای شبانه گروه های مختلف، آنها را با استفاده از واژه های مؤدبانه و احترام آمیز مورد خطاب قرار می داد؛ مثلاً هنگامی که زندیقی از مصر برای مناظره با حضرت به مدینه و بعد از آن به مکه آمد، حضرت او را چنین خطاب کرد: «یا اخا اهل مصر؛ ای برادر اهل مصر» و نتیجه مناظره وی با امام این بود که زندیق ایمان آورد و امام نیز به یکی

از اصحاب خود هشام بن حکم دستور داد تا تعلیم آداب و شرایع اسلام به او نمود. (صدوق، ۲۰۰۹: ۹۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳: ۵۱) همچنین ابان بن تغلب روایت می‌کند که من در خدمت حضرت ابوعبدالله در مکه حاضر بودم ناگاه مردی از اهالی یمن به خدمت آن امام رسید و سلام کرد. آن حضرت جواب سلام او را داده و گفت: مرحبا یا سعد. در روایتی دیگر از ابان بن تغلب، امام صادق (ع) از مردی که پیش او آمده بود سؤالاتی را می‌پرسد و در ضمن سخنان او را با القاب محترمانه ای مورد خطاب قرار می‌دهد. مثلاً «یا اخا العرب»؛ که در پاسخ، شخص نیز متقابلاً ادب را رعایت می‌کرد (همان، ج ۵۵: ۲۱۹)

بنابراین اگر نظام آموزشی امام صادق(ع) به عنوان الگو قرار گیرد و در مراکز آموزشی، علاقه و محبت لازم میان استاد و شاگرد ایجاد شود دانش آموز به راحتی نا امید نخواهد شد که نا امید شود از تحصیل و آن را رها کند.

در نظام آموزش امام صادق(ع) که بر مبنای خدامحوری و کسب معارف الهی تاسیس شده است، پذیرش داوطلبان باید مطابق ضوابط صورت گیرد و امر مقدس تعلیم نباید بر افراد نا اهل سپرده شود و حکمت به کسانی که قابلیت آن را داشته و آن را ضایع نمی‌کنند، تعلیم داده شود. حضرت می‌فرماید: «تعلیم به نا اهل کاری عبث و بیهوده است» (صدوق، ۱۴۱۲، ج ۶: ۳۷۵) از این گفتار استنباط می‌شود که بذر علم برای بارور شدن به محل مرغوب و قابل اعتماد نیاز دارد که هزینه را تباه نکند. از این رو حوزه های علمیه در فرایند پذیرش طلاب باید دقت عمل بیشتری کنند تا به فرمایش امام جامه عمل پوشانده شود.

## ۲- عقل گرایی معتدل

در عصر امام صادق(ع) برداشت های متفاوت و گاه متضادی از عقل صورت می‌گرفت. برخی از اندیشمندان، آن قدر عقل را به حضيض ذلت کشانده بودند که گویی هیچ ارزش و دخالتی در حوزه آموزش و معرفت ندارد و برخی آنچنان عقل و خرد را در مسند بالا نشانده بودند که گویی او تنها حاکم سرزمین معرفت و دانایی و سایر منابع شناخت زیر دستان عقل هستند. عالمان اهل حدیث به نص‌گرایی روی آورده و یگانه مرجع و منبع دستیابی به معارف دینی را ظواهر آیات و روایات و نصوص می‌دانستند و با هرگونه خردورزی در متون دینی به مخالفت برخواستند. «برخی از حدیث‌گرایان تا آنجا بر ظواهر نصوص کتاب و سنت جمود ورزیدند که در قلمرو باورهای دینی و صفات الهی دچار انحراف تجسیم و

تشبیه شدند و یا مجبور به توقف گردیده و درک عقل را نسبت به مفاهیم دینی تعطیل نمودند» (شهرستانی، ۱۴۲۵: ۷۳)؛ برای مثال شخصی از مالک بن انس درباره استوای خداوند بر عرش که در قرآن کریم وارد شده، سوال کرد وی سرش را پایین انداخت و گفت: الاستواء معلوم و الکیفیه مجهوله و الایمان به واجب و السؤال عنه بدعه» (همان: ۸۹) و از این رو افرادی همچون شافعی و احمد بن حنبل نیز به مخالفت با علم کلام پرداختند.

در مقابل این گروه، معتزله را عقل‌گرایان افراطی دانسته‌اند، به گونه‌ای که در اندیشه آنها عقل و احکام عقلی نقش مهم و تعیین کننده‌ای در کشف و استنباط اعتقادات دینی و همچنین اثبات این عقاید بر عهده داشته است، لذا آنها در روش خود، هر مسأله‌ای را بر عقل و خرد آدمی عرضه می کردند و اگر توجیه عقلانی برای آن می یافتند آن را می پذیرفتند (همان: ۳۹). به نظر می رسد ابوحنیفه نیز که معاصر امام صادق(ع) و از شاگردان آن حضرت بوده، دچار افراط شده و عقل را در شناخت و معرفت کافی دانسته است. وی در کتاب «الفقه الاوسط» تصریح می کند: «در ایمان آوردن به خدا دلیل عقلی کافی است، زیرا کسی که در سرزمین کفر اقرار به اسلام نماید و چیزی از شرایع و فرائض را هم نداند، اگر بمیرد مومن مرده است» (ابلاغ، بی تا: ۱۶۸). در جهان معاصر نیز ساختار نظام آموزشی غرب بر عقل‌گرایی افراطی پایه گذاری شده که معتقد است تنها می‌توان قضیه‌ای را عقلا پذیرفت که صدق آن برای همه عاقلان در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها به اثبات رسد (صادقی، در آمدی بر کلام جدید: ۴۲).

در نظام آموزشی امام صادق(ع) رویکردی معتدل درباره عقل اتخاذ گردیده و با حفظ جایگاه نقل، از نقش عقل نیز در فهم آموزه های دینی بهره گرفته شد. از این رو ضرورت عقل‌گرایی معتدل، در شالوده نظام آموزشی امام صادق(ع) جزو مبانی پذیرفته شده می باشد. به این معنی که در این نظام، گزاره های اعتقادی و دینی بر پایه تفکر و تعقل انسانی گره خورده است. ایشان می فرماید: «هر کس عقل داشته باشد، دین دارد و هر کس دین داشته باشد، وارد بهشت می شود.» بنابراین سعادت بشر در گرو خردورزی اوست. آن حضرت به مفضل می فرماید: «ای مفضل، هر که تعقل نکند رستگار نشود و تعقل بی دانش میسور نگردد.» (کلینی، ۱۴۱۸: ۴۲)؛ یعنی بدون نظام تعلیم تربیت خردورزی معنا پیدا نمی کند. چون عقل برای شکوفا شدن نیاز به بستری دارد تا بارور شود و به بالندگی برسد. در اندیشه امام صادق(ع) عقل تنها قطعا کافی نیست و عقل برای دریافت معارف نیاز به نور الهی دارد. امام صادق می فرماید: «...وقتی عقل انسان به نور موید باشد دانشمند، حافظ، یادآور، باهوش و فهمیده شود و از

این رو بدانند چگونه و چرا و کجا و بشناسد خیرخواه و بدخواه را و وقتی این را شناخت، روش پیوست و جدایی خود را بشناسد و در یگانه پرستی خدا و دل دادن به فرمانبری مخلص گردد.....(همان: ۴۰)

پرسش‌های گوناگون شاگردان امام در برداشت عقلی از ظواهر آیات و متون دینی، بیانگر جایگاه رفیع عقل در نظام آموزشی آن حضرت و بها دادن به آن در تاویل ظواهر نصوص است؛ از باب نمونه، زمانی که معاویه بن وهب از روایت خداوند سوال کرد، حضرت می فرمود: « رویت دو گونه است: رویت قلبی و رویت بصری و آنچه در مورد خداوند امکان پذیر است رویت قلبی است نه بصری» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴: ۵۴). چون عقل حکم می کند که خداوند جسم نیست پس قابل رویت بصری نیست.

باید گفت: یکی از دلایل موفقیت امام در مهندسی فرهنگی جامعه شیعه و خضوع مخالفان و ملحدان در مقابل آن حضرت، استفاده از عقلانیت و به کار گیری آن در مباحث و مناظرات علمی بوده است. چون برخورداری از موضع مناسب برای ایستادگی در برابر تهاجم فرهنگ‌های بیگانه و مقابله با آنها، استدلال‌های عقلی قوی و استوار می طلبد و امام صادق(ع) در موارد بسیاری از مناظرات، از استدلال‌های عقلی استوار، برای آسیب پذیر کردن مشکوکات طرف مقابل استفاده می کردند که به ذکر یک مورد بسنده می شود. در یکی از مناظرات، زندق با استدلالی باطل، بیان می کرد که اگر خدا در آسمان باشد، چگونه می تواند در زمین هم باشد اگر در زمین باشد، چگونه می تواند در آسمان هم باشد؟ امام با منطق و برهانی قاطع فرمود آنچه که توصیف کردی، صفت مخلوق است نه صفت خالق؛ زیرا این مخلوق است که وقتی از مکانی به مکان دیگر منتقل می شود، محل اول خالی از اوست و از جریاناتی که در مکان اول اتفاق می افتد، مطلع نیست، ولی خداوند متعال هیچ مکانی از او خالی نیست (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۳۳۹).

نهادینه شدن عقل گرایی معتدل در نظام تعلیم و تربیت امام صادق(ع) آن را در شمار شاخصه‌های مکتب تشیع قرار داده است.

### ۳- فرا قومیتی، فرامذهبی، جهان شمولی

در نظام تعلیم و تربیت امام صادق(ع) برای طالبان علم، محدودیت مرزی، مذهبی، فکری، سیاسی، سنی و غیره وجود ندارد. نظام آموزشی امام صادق(ع) تبلور یک دانشگاه فراملی و فرا قومیتی و جهان شمول است که همه افراد از هر نوع جریان فکری و از هر منطقه جغرافیایی با هر نژاد و زبانی می توانند در آن فعالیت علمی نمایند. ایشان می فرماید: « حکمت گمشده مومن است، پس هر جا که یکی از شما گمشده اش را یافت، آن را فراگیرد» (کلینی، ۱۳۶۳: ۱۶۷). از این رو در دانشگاه آن



حضرت، به لحاظ پراکندگی جغرافیایی، شاگردانی از نقاط مختلف ایران، (قم، خراسان، فارس، همدان...) عراق، مصر، شام، لبنان و..... حضور داشتند که خود نشان از گستره آوازه این نظام علمی در دنیای اسلام و بلکه جهان دارد.

به لحاظ فکری نیز در حوزه درس آن حضرت، اعمال محدودیت نمی شد. در علم کلام بزرگان معتزله و در علم فقه رهبران مذهبی اهل سنت همچون مالک بن انس و ابوحنیفه اجازه حضور در مجالس درسی داشتند و در همه علوم، افراد برای طرح آرا و اندیشه های خود کاملاً آزاد بودند و هیچ کس به دلیل ارایه نظر مخالف مورد سرزنش قرار نمی گرفت. حضور شخص امام صادق(ع) در مناظرات علمی با زنادقه و ملحدان، بهترین موید است که یکی از مولفه های نظام آموزشی امام صادق(ع)، محدود نکردن دانش پژوهان و لزوم برگزاری کرسی های آزاد اندیشی است. امام به این مهم توجه داشت که بالندگی و تولید علم، بدون تبادل آراء و اندیشه ها نا ممکن است. از این رو در مجالس علمی که با حضور آن حضرت شکل می گرفت، تعصب، پیش داوری و سرکوب جایی نداشت.

نظام تعلیم و تربیت امام صادق(ع) بگونه ای بود که هر کس در هر سنی میتواند وارد آن شود و تا هر زمان که می خواست فرصت استفاده از مکتب را داشت. و این امر دو پیامد مثبت داشت: یکی آن که هر کس با علاقه خود و در سن مورد نظر خود در این کلاس ها شرکت می کرد و این موضوع التهابات پژوهشی را در مکتب افزایش می داد و دیگری نهادینه کردن عدالت در امر آموزش و ایجاد فرصت های برابر بود. در نظام آموزشی حاکم در کشور ما ممکن است هر کسی نتواند در طول سه سال دوره متوسطه را تمام کند و ممکن است کسی توانایی بیشتر داشته باشد و بتواند در دو سال، آن را تمام کند. در حالی که در نظام تعلیم و تربیت امام صادق(ع) با هر کس فراخور حالش رفتار می شد.

امروزه با وجود پیشرفت علمی و تحقیقاتی جهان، متأسفانه برخی کشورهای دنیای امروز، دستاوردهای مراکز علمی خود را، انحصاری کرده و از استفاده آن برای دیگران، ابا می کنند. نظام آموزشی امام صادق(ع)، با این رویه کاملاً مخالف بوده و پخش و نشر دستاوردهای علمی را در سرتوابع برنامه های خود قرار داده بود. از این رو، آن حضرت دانشی را که دیگران از آن سیراب نشوند، همانند چراغی که جلو پرتو افشانی آن گرفته شود، می داند. همچنین از توصیه امام به مفضل بن عمرو در خصوص لزوم کتابت آموزه ها، می توان دریافت که یکی از ثمرات آن، نشر علوم برای آیندگان است (کلینی، همان: ۷۳). در سایه این رویکرد امام، هزاران دانشمند تربیت شده و در نقاط مختلف دنیا

پراکنده و به انتشار علوم پرداختند. به نظر می‌رسد، یکی از دلایل مهم ارجاع مردم به شاگردان توسط آن حضرت، ایجاد بسترهای لازم برای انتشار علوم در جامعه بود.

خروجی و حاصل ابتکار امام صادق(ع) در راه اندازی یک نظام آموزشی بسیط، فرامذهبی و جهان شمول، تربیت دانشمندانی بود که غالباً از بنیانگذاران علوم و فنون بوده و نقش سازنده‌ای را در پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی ایفا نمودند. جابر بن حیان پدر علم شیمی که بارها خود را شاگرد امام صادق(ع) خوانده و مطالبی از آن حضرت نقل کرده است (جابر بن حیان، ۱۴۲۷: ۵۷۱). بیش از دویست کتاب در حوزه علوم طبیعی و شیمی نوشته که به زبان‌های مختلف در اروپا ترجمه و تدریس می‌شد.

بسیاری از بزرگان فقها، متکلمین و برجستگان پهنه علم و دانش از پرورشی یافتگان نظام تعلیم و تربیت امام صادق بوده‌اند. از این عده می‌توان کسانی همچون زراره بن اعین و دو برادرش بکر و حمزان، محمد بن مسلم، برید بن معاویه، هشام بن حکم، هشام بن سالم، ابان بن تغلب، ابوبصیر و عبدالله بن سنان را نام برد. همچنین بسیاری از دانشمندان برجسته و پیشوایان مذاهب اهل سنت، از بهره‌وران دانشگاه آن حضرت محسوب می‌شده‌اند. از این میان می‌توان به افرادی مانند یحیی بن سعید انصاری، مالک بن انس، سفیان ثوری، ابن عیینه، ابوحنیفه، بن شعبه، ابو عمرو بن علاء و عمرو بن دینار، اشاره کرد.

#### ۴- تخصص‌گرایی

نظام آموزشی امام صادق(ع) الگوی یک دانشگاه جامع در تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی است. حوزه درسی آن حضرت، درگرایش‌های مختلف علوم، پذیرای دانشجویان بوده و به تربیت متخصصان اهتمام داشت و این طریقی بود که تا به آن روز، در جامع اسلامی سابقه نداشته است. این امر ریشه در دو ویژگی موجود در خود امام صادق(ع) دارد: اول توان مهندسی و مدیریت ایشان که توانست دانشگاهی با قابلیت و ظرفیت وسیع در رشته‌های متفاوت ایجاد کند و دوم توان علمی خود امام که در همه علوم به عنوان یک متخصص مرجع و صاحب نظر به شمار می‌آمد. نویسنده کتاب «الامام الصادق(ع)» کما عرفه علماء الغرب» می‌گوید «وقتی انسان آثار امام صادق(ع) را مورد بازبینی قرار می‌دهد، خواننده گاه گمان می‌کند که در برابر یک دانشمند شیعی قرار دارد و گاه خود را در برابر یک عالم فلکی می‌انگارد و گاه در برابر طبیبی حاذق که بدن انسان را تشریح و امراض و اسقام و علل و

طرق معالجه آن را بیان می‌کند و وقتی به علوم انسانی و معنوی باز می‌گردد، در برابر خویش عالمی ربانی و چهره‌ای ملکوتی مشاهده می‌کند» (آل علی، ۱۴۲۰: ۴۳).

امام صادق(ع) بر این امر واقف بود که تخصصی شدن علوم و عمیق‌تر شدن در یک تخصص، زمینه‌های نوآوری را فراهم آورده به گسترش علوم می‌انجامد. از این رو، در دانشگاه وسیع خود متخصصین بسیاری را در علوم و فنون مختلف، تربیت فرمود که خود اینها صاحبان نظر بودند. وقتی کسی نزد آن حضرت برای علم اندوزی می‌آمد، حضرت می‌پرسید که خواهان آموختن کدام علم است؟ اگر مرد پاسخ می‌داد: فقه. امام او را به متخصص فقه راهنمایی می‌کرد و اگر می‌گفت: تفسیر، او را به متخصصان تفسیر دلالت می‌کرد و به همین ترتیب اگر می‌گفت: حدیث یا سیره یا ریاضیات یا پزشکی یا شیمی، آن حضرت وی را به برجستگان و خبرگان در این علوم راهنمایی می‌کرد و آن دانشجو به ملازمت هر کس که خود می‌خواست، در می‌آمد تا پس از مدتی به دانشمندی توانا و برجسته در دانش دلخواه خود تبدیل شود.

سید امیر علی نیز به تنوع رشته‌های درسی دانشگاه امام صادق(ع) اشاره کرده می‌گوید: در مجالس او تنها کسانی که بعدها مذاهب فقهی را تاسیس کردند شرکت نمی‌کردند، بلکه فلاسفه و طلاب فلسفه از مناطق دور دست در آن حاضر می‌شدند (سید امیر علی، ۱۹۶۷: ۱۹۳).

برخی متخصصین دانشگاه امام صادق(ع) در علم شیمی(کیمیا) و ریاضی دانشمندی چون جابر بن حیان، در علم کلام هشام بن حکم، در علم فقه امثال زراره، در حکمت و زیست‌شناسی مفضل بن عمرو و همچنین شاگردان دیگری که در علوم پزشکی و هیئت و نجوم و علوم دیگر بودند که در زمینه‌های خودشان تبحر داشتند. کتاب‌های نوشته شده در موضوعات مختلف توسط شاگردان امام صادق(ع) نیز حاصل تخصصی بودن علوم در دانشگاه امام صادق(ع) می‌باشد.

## ۵- پژوهش محوری

یادگیری اساساً ماهیتی علمی و پژوهشی دارد و کلاس درس، محلی است که باید شاگردان به شیوه علمی، مفاهیمی را کشف کنند. بر اساس رویکرد علمی و پژوهشی، موضوعات درسی از سوی استاد و دانشجو به صورت مسأله طرح می‌شود. دانشجویان برای کشف مفاهیم و بررسی محتوا به صورت گروهی یا فردی تشویق می‌شوند. آنها به جمع‌آوری اطلاعات می‌پردازند و جواب‌ها و نظریات خود را مطرح می‌کنند و سپس به ارزیابی جواب‌ها می‌پردازند و در نهایت بهترین جواب را

ارایه می دهند. برخورد با مساله، تعریف مساله، ارایه فرضیه، آزمایش فرضیه و نتیجه گیری، مراحل یک روش علمی را تشکیل می دهند.

این روش علمی، در نظام آموزشی امام صادق(ع) نیز جایگاه ویژه ای داشته است. امام به پرورش شاگردان دانش پژوه اهتمام خاصی داشته و با تشویق آنها به کتابت و اجتهاد، روحیه پژوهش را در آنها زنده می کرد. امام می فرماید: « دل به نوشته ها اعتماد دارد » « بنویسید چون تا نویسید نمی توانید حفظ کنید » و کتاب ها و نوشته های خود را محافظت کنید که در آینده با آنها نیازمندید » (کلینی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۷۲). خطاب به جمعی از شاگردان که ابوصیر هم در میان آنها بود، فرمودند: بنویسید، چرا که علوم حفظ نمی شود، مگر با نوشتن. همچنین به مفضل بن عمرو نیز چنین امر می کند: « بنویس و علم خود را در میان هم مذهبان خود پخش نما و اگر از دنیا رفتی، کتاب هایت را به پسرانت ارث بده » (همان: ۷۳).

شاگردان ایشان تالیفات خود را بر وی عرضه نموده و آن حضرت نیز پس از بررسی آنها را تصحیح یا تایید می نمود. به عنوان نمونه، عبیدالله بن علی حلبی کتاب خود را بر امام عرضه کرد و امام صادق(ع) نیز آن را صحیح دانست (نجاشی، ۱۴۱۳: ۲۳۱).

در واقع آنچه که ما از آن به اجتهاد یاد می کنیم و آن را از شاخصه های فقه شیعی می دانیم، با آموزش پژوهش محور مطابقت دارد که به دست امام صادق(ع) عملیاتی گشته است. امام صادق(ع) حتی در زمان خویش که عصر امام معصوم است به دانش پژوهان توصیه می کرد در صورت عدم دسترسی به امام معصوم اجتهاد بکنند و بر اجتهاد خود عمل کنند، حتی نتایج اجتهاد خود را به دیگران هم انتقال بدهند؛ یعنی امام نه تنها فرصت های پژوهشی ایجاد نمود، بلکه شاگردانش را ملزم به پژوهش می کرد. در این زمینه می توان به توصیه امام صادق(ع) به عبدالاعلی مولى آل سام، اشاره کرد. وی به امام صادق(ع) عرض می کرد: « لغزیدم و در اثر آن ناخنم جدا شد، مرهم و دارویی بر انگشتم قرار دادم؛ با این حالت، چگونه وضو بسازم؟ حضرت فرمود: « یعرف هذا و اشباهه من کتاب الله عزوجل، قال الله تعالى: و ما جعل علیکم فی الدین من حرج امسح علیه » (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۳۶۳ / طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۷۷ / حرعالمی، همان، ج ۱: ۳۶۴). « حکم این مساله و امثال آن را می توان از قرآن کریم دریافت. خداوند فرموده: در دین برای شما حرجی قرار داده نشده است. » در این جا امام صادق(ع) با تبیین و تعلیم قاعده لاجرح، راه پژوهش رامی آموزد، امام صادق(ع) به عبدالاعلی توصیه می کند که به آیات قرآن مراجعه کند و با پژوهش و تحقیق قواعد فقهی را از آنها استخراج نماید.

در واقع امام صادق(ع) تفکر و اندیشیدن را به شاگردان می آموخت تا دریچه های نوآوری در حوزه های مختلف علوم و فنون گشوده شود. از این رو ایشان بر پرسش تاکید داشت و به شاگردانش می فرمود: «بپرسید از من، پیش از آنکه مرا از دست بدهید» (قاضی ۱۴۱۲، ج ۱۴: ۲۹۲) چون پرسشگری روحیه پژوهش و تحقیق را تقویت می کند و زمینه های نوآوری علمی را فراهم می نماید.

کشور ما به عنوان تنها نظام اسلامی شیعی که رئیس مکتبش امام صادق(ع) است باید بیشترین اهتمام را بر پژوهش داشته باشد. لکن در نظام آموزش کشور ما هنوز تحقیق و پژوهش جایگاه اصلی خود را نیافته است. چنانچه آموزش و پرورش قصد توسعه فرهنگ پژوهش در مدارس را دارد باید این فرهنگ را در دوره ابتدایی ایجاد نموده و در دوره های تحصیلی بالاتر آن را بسط و گسترش دهد. متأسفانه در دوره ابتدایی جایگاه پژوهش خالی بوده و در کتب درسی مجال برای پرداختن به آن پیش بینی نشده است. در برنامه درسی باید جایی برای پژوهش در نظر گرفته شود و تنها بر محفوظات تکیه نشود و درصدی نیز به فعالیتهای علمی دانش آموز اختصاص یابد.

## ۶- تنوع در آموزش

### ۶-۱- تنوع مکانی

کانون مرکزی نظام آموزشی امام صادق(ع)، مساجد بود. تشکیل حلقه های درسی در مساجد به روشی که امروزه در حوزه های مختلف علوم دینی رایج است، از ابتکارات ایشان است. طالبان علم از مناطق دور و نزدیک در مسجد جمع شده و به سخنان امام در موضوعات مختلف گوش فرا داده، از گنجینه معارف ایشان سیراب می شدند. بنا به نقل طبرسی «امام صادق(ع) در مسجد برای مردم تفسیر قرآن و مسائل حلال و حرام می گفتند» (طبرسی، بی تا: ۲۸۹). آن حضرت در منزل نیز پذیرای جویندگان دانش به صورت گروهی و انفرادی بود. محمد علی دخیل بیان می دارد: «همانا خانه امام صادق(ع) مانند دانشگاه بزرگی بود که از حکما و دانشمندان و اهل علم و ادب موج می زد و امام (ع) به سوالاتشان جواب می داد و مشکلاتشان را حل می نمود. اصحاب و یاران نزدیکش دروس امام را در چهارصد کتاب جمع و آنها را اصول اربعه مأثبه نامیده اند» (دخیل، ۱۴۱۵، ج ۱: ۴۲۰). البته مکان های آموزشی آن حضرت منحصر در این دو مورد نبوده و اصولاً ایشان از هر مکان و زمان مناسب برای تعلیم و تربیت بهره می جستند که استفاده از مراسم ایام حج از نمونه های بارز آن است.

## ۶-۲- تنوع در روش های آموزش

### ۶-۲-۱- کارگاه های آموزشی کوتاه

در نظام تعلیم و تربیت امام صادق(ع)، کوتاه ترین زمان ها فرصتی بزرگ برای آموزش به شمار می آمد. و از آنها در جهت تقویت بنیه علمی، قدرت پاسخگویی، مباحثه و مناظره شاگردان، استفاده می شود. آن حضرت برای رفع اشکالات علمی دانش پژوهان، دوره های بسیار کوتاه آموزشی در نظر می گرفت تا مسایل علمی را که در حلش عاجز مانده اند، حل نموده و فنونی را که از آن بی اطلاعند، فرا گیرند. آموزش پانصد مساله در ایام حج به هشام بن حکم یکی از این موارد است.

قال هشام بن حکم: سالت ابا عبدالله(ع) بمنی عن خمساء حرف من الکلام، فاقبلت اقول یقولون کذا، قال: فنقول قل کذا، فقلت هذا الحلال و الحرام، والقرآن اعلم انک صاحبه و اعلم الناس به فهذا الکلام من این؟ فقال: یحتج الله علی خلقه بحجه لا تکن عنده کلما یحتاجون الیه؟ (طبری، ۱۳۸۳: ۲۴۸؛ طوسی: ۴۶؛ مجلسی، ج ۴۷: ۳۵)

هشام بن حکم گفت: از حضرت ابا عبد الله(ع) در منی راجع به پانصد قسمت علم کلام سؤال کردم. عرض کردم مردم چنین و چنان می گویند. فرمود: تو چنین مگو. عرض کردم آقا حلال و حرام قرآن را شما کاملاً می دانید و از همه مردم وارد ترید؛ اما این علم کلام از کجا آمد؟ فرمود: خداوند برای مردم دلیل اقامه می کند ممکن است نزد خدا آنچه مردم احتیاج دارند نباشد؟! (منظور اینست که علم کلام را نیز خدا بما آموخت)

هشام در این ملاقات نظرات دیگران را در قالب سوال، از امام پرسیده و جواب لازم را اخذ می کند برخورد علمی امام تا اندازه ای قوی بوده که در زمان کوتاهی، هشام را با آن همه نبوغی که دارد قانع شده و به عنوان یک متکلم قوی شیعی پرورش می یابد.

### ۶-۲-۲- آموزش در خلال مناظرات

مناظرات امام صادق(ع) با جریان های مختلف فکری و فرهنگی، یکی از ابعاد مهم نظام آموزشی آن حضرت به شمار می آید به عنوان نمونه، در مناظره مرد شامی که در کلام و فقه تخصص داشت نکات آموزشی و تربیتی بسیاری نهفته است که شفاف ترین آن، آموزش فنون مباحثه و مناظره به شاگردان است.

مرد شامی، قبل از ایام حج، در نزدیکی مکه به خیمه امام وارد شد و خواهان مباحثه با شاگردان آن حضرت شد. پس از گفتگوهای اولیه، امام به یونس بن یعقوب فرمود تا چند نفر از شاگردان متکلم

امام را برای مناظره با مرد شامی حاضر کند. هشام بن سالم، محمد بن علی بن نعمان احول، قیص بن ماصر، مومن الطاق، حمران بن اعین و هشام بن حکم به نوبت وارد مناظره شده و در موضوعات مختلف علمی به سؤالات مرد شامی پاسخ گفتند. در این مناظره طولانی بعضی شاگردان امام بر مرد شامی چیره شده و بعضی دیگر با او مساوی شدند. پس از اتمام مناظره، امام نکات ضعف و قوت مناظره کنندگان را یاد آور می شوند. حضرت رو به حمران کرده فرمود: اما تو ای حمران سخت را به دنبال حدیث می بری و به حق می رسی، آنگاه به هشام بن سالم متوجه شده، فرمود: اما تو در پی حدیث می گردی، ولی به خوبی آن را نمی شناسی، سپس به احول فرمود: تو با قیاس سخن می گویی و تردستی کرده باطل را به وسیله باطل درهم می شکنی، جز اینکه باطل تو روشن تر است، آنگاه رو به قیص ماصر کرده فرمود: تو چنان سخن گویی که هر چه خواهی به حق و حدیث رسیده از رسول خدا(ص) نزدیک تر باشی از آن دورتر شوی، حق را با باطل می آمیزی، با اینکه اندکی از حق از انبوهی باطل انسان را بی نیاز می کند، تو و احول هنگام بحث از شاخه ای به شاخه ای می پردی، و در کار بحث و مناظره ماهرید.

یونس بن یعقوب گوید: به خدا من گمان کردم که درباره هشام بن حکم نیز سخنانی همانند سخنانی که به آن دو فرمود، خواهد گفت، ولی بر خلاف آنچه فکر می کردم به هشام فرمود: تو به هر دو پا به زمین نمی آفتی (و چنان نیستی که در پاسخ بمانی) چو نخواهی به زمین آفتی پرواز می کنی، (ای هشام) چون تویی باید با مردم سخن گوید، خود را از لغزش نگهدار که شفاعت به دنبال آن است ان شاء الله... (کلینی، همان، ج ۱: ۱۹۲).

در این مناظره شاگردان تک تک بحث می کنند و به صورت جداگانه توسط شخص امام نقد می شوند، در عین حال نقدهای امام تفصیلی نبوده، بلکه سرنخی از طرف امام صادر شده که خود فرد به دنبال تشخیص نقاط ضعف خویش باشد. امام با جملات خود هم ایرادهای مناظرات اصحاب را بیان می کند و هم روش درست آن را متذکر می شود.

۶-۲-۳- تربیت گام به گام

آموزش امام صادق(ع)، القای یک سری مطالب آماده با استدلال صرف به شاگردان نبوده است، بلکه در راستای توجه و تعمق بیشتر شاگردان در مطالب بوده است و همین باعث ارتقای قدرت کلامی و مباحثه شاگردان حضرت می شد. شاگردان امام بعد از مدتی که در محضر امام تلمذ می کردند آموزه ها

را کاملاً حس و درک می نمودند؛ برای مثال نوع آشنایی هشام بن حکم با امام صادق(ع) و روند رشد و تکامل علمی وی در محضر امام، بهترین نمونه روش تربیت تدریجی حضرت است.

عمرو بن یزید نقل می کند: برادر زاده ام هشام به لحاظ دین تابع مذهب «جهمیه» و به تیزهوشی و زرنگی معروف بود. هشام از من خواست تا او را برای مناظره پیش امام صادق(ع) ببرم. به او گفتم: برای این کار باید از امام وقت قبلی بگیرم. سپس پیش امام صادق(ع) رفته و برای هشام اجازه گرفتم. وقتی از جا بلند شدم تا برگردم، زرنگی و هوش هشام یادم آمد و آن را به امام نیز یادآور شدم. امام فرمود: ای عمر مرا می ترسانی؟ از گفته خود شرمند شده و به لغزش خود پی بردم. سپس پیش هشام رفته و از او خواستم برای رفتن پیش امام صبر کند، ولی هشام عجله کرده و پیش امام رفت و من هم به همراه هشام خدمت امام رسیدم. زمانی که هشام در جایگاه خود قرار گرفت، امام از وی سوالی پرسید و هشام در جواب حیران ماند و سپس از امام برای جواب مهلت خواست و امام نیز مهلت داد. هشام رفت و چند روزی در پی جواب بود، ولی موفق نشد. دوباره نزد امام صادق(ع) برگشت، امام جواب آن سوال را گفت و سوال دیگری مطرح فرمود که این سوال عقیده و مذهب هشام را زیر سوال برد. هشام اندوهناک و متحیر از نزد امام صادق(ع) بیرون آمد و خود هشام می گوید: چند روزی این حالت تحیر و اضطراب رهایم نمی کرد.

عمرو می گوید: هشام از من خواست که دوباره از محضر امام برایش وقت بگیرم من دوباره پیش امام رفته و برای هشام وقت گرفتم. امام فرمود: در مکانی که حیره نام دارد منتظرم باشد، فردا انشاء... با او ملاقات خواهم داشت.

عمرو می گوید: نزد هشام رفته و جریان را گفتم. هشام مسرور شده و با خوشحالی خود را به آنجا رسانید. بعد از مدتی، هشام را دیدم و از سرگذشت این ملاقات سوال کردم. هشام از رفتنش به محلی که امام برایش معرفی کرده بود، خبر داد و گفت: زمانی که امام با مرکب خود به سمت من نزدیک شد، با دیدن ایشان رعب و وحشتی در دلم ایجاد شد که نتوانستم سخنی به زبان آورم و آنچه را که می خواستم بگویم از گفتنش عاجز شدم. امام مدتی منتظر ماند تا سخنی بگویم، ولی هرچه می گذشت با نگاه امام تهیب و تحیر من بیشتر می شد. امام وقتی وضع مرا چنین دید سوار مرکب شده و رفت تا داخل محله سکک در حیره گردید و من یقین کردم که حالتی که به من دست داده فقط از طرف خداوند متعال و جایگاه عظیم رب جلیل می تواند باشد( و امری عادی نیست).



عمرو می گوید: سپس هشام به سمت امام صادق(ع) رفت. او مذهب خود را ترک گفته و به دین حق گرایید مثل همه یاران امام صادق(ع). والحمدلله (کشی، همان: ۲۵۶؛ مجلسی، همان، ج ۴۸: ۱۹۳).

اکنون به نکات آموزشی و تربیتی که از متن این واقعه قابل استخراج است می پردازیم: مرحله اول برخورد امام طوری بود که موانع برقراری یک ارتباط سالم و درست بین هشام و خودشان برداشته شده و هشام آماده شنیدن و دریافت معارف می شود. هشام با موقعیت علمی بسیار قوی خدمت امام رسیده و اولین مساله تغییر حالت و موضع هشام است و اینکه بدانند در محضر چه شخصیتی وارد شده، فلذا امام فقط یک سوال از هشام می کند و او را در جواب به صورت پرسش آزاد مخیر می سازد و به وی وقت می دهد که از هر کس بخواهد می تواند کمک بگیرد. وقتی هشام خود و دیگران را در جواب سوال امام عاجز دید، دفعه دومی که خدمت امام رسید با هشام قبلی تفاوت بسیاری داشته و از حالت غرور اولیه پایین آمده بود.

در مرحله دوم نیز امام القای مطلب نمود، بلکه سوالی درباره مذهب هشام پرسید که خود هشام با دنبال کردن سوال، به جواب برسد. در واقع سوال دوم، هشام را از حیث اعتقادی صاف و سالم کرد؛ یعنی هشام فهمید که با معلومات فعلی خود جوابی برای سوال امام ندارد و همه آنچه که اعتقاد داشت بی پایه بوده است، فلذا هشام حیران ماند.

در مرحله سوم که هشام دل آماده ای پیدا کرده، نه تنها بحث لزومی ندارد، بلکه نیاز به سوال هم نیست، بلکه یک نگاه کافی است که کار را تمام کند. امام در یک صحنه کاملا طبیعی که سوار مرکبش بود، نگاه عمیقی به هشام می نماید که تحول اساسی در درون وی ایجاد کند و هشامی که تمام علما و دانشمندان شهر را تجربه کرده است، می فهمد که امام صادق(ع) شخصیت متفاوتی است. و جمله «تیقنت» هشام می رساند که هشام استدلال تام و کاملی برای امامت دریافت کرده ولی نه با بحث و جدل، بلکه با روش ویژه آموزش گام به گام امام صادق(ع).

گام اول، هشام را در موضعی قرار داد که بتواند حرف حساب را بشنود. گام دوم شرایطی را فراهم نمود تا هشام فکر کند و آماده دریافت شود و در گام سوم استدلال ویژه امام با یک نگاه با تمام می رسد.

۶-۲-۴- آموزش با علم الغیب

آموزش امام صادق(ع)، متناسب با وضعیت معلوماتی شخص بوده است. امام در مواردی استفاده از علم غیب را کار ساز تر از سوال علمی می دانست، فلذا در جریان مناظره مرد شامی او را از مسیر

آمدنش و زمان و خروج و غیره خبر می دهد و برای امثال هشام که انواع شخصیت های علمی را تجربه کرده است با ابزار طرح مسایل علمی وارد می شود.

#### ۶-۲-۵- ارشاد ها و نصایح

سیره آموزشی- تربیتی امام صادق(ع) گویای این واقعیت است که مواعظ و توصیه های حضرت نقش عمده ای در بحث آموزش دارد. نصایحی که ایشان به صورت موردی به افراد مختلف می نمودند، در گذر زمان به منشور آموزشی - تربیتی در میان شیعیان مبدل می گشت. سفارشات حضرت به افراد خانواده فرزندان خود مثل سفارش به امام کاظم، (مجلسی، همان، ج ۴۷: ۲۶۱) رهنمودهایی که نسبت به شاگردان خود مثل سفیان ثوری (همان: ۲۳۲)، عبدالله بن جندب، ابوحنیفه (همان: ۲۴۰) و دیگران داشته اند، از جمله این موارد است.

#### نتیجه

نظام آموزش امام صادق(ع) شاخصه های ویژه ای را دارا بوده است. نظام آموزش آن حضرت بر محوریت خداوند بنیان نهاده شده است. از این رو صرفاً به انتقال دانش اکتفا نکرده، بلکه هدف آن، تعلیم و تربیت بوده و غایت آن رسیدن به کمال الهی است. در نظام آموزش آن حضرت، عقل گرایی معتدل حاکم بوده است به این معنی که با حفظ جایگاه نقل، از نقش عقل نیز در فهم آموزه های دینی بهره گرفته می شد. نظام آموزشی امام صادق(ع) تبلور یک دانشگاه فراقومیتی، فرامذهبی و جهان شمول است که همه افراد از هر نوع جریان فکری و از هر منطقه جغرافیایی با هر نژاد و زبانی می توانستند در آن فعالیت علمی نمایند. تخصص گرایی شاخصه دیگر دانشگاه امام صادق(ع) است. از این رو حوزه درسی آن حضرت، در گرایش های مختلف علوم، پذیرای دانشجویان بوده و به تربیت متخصصان اهتمام داشت. پژوهش محوری ویژگی دیگر این نظام است. از این رو رسالت مهم دانشجویان، تحقیق و پژوهش و نو آوری است. شیوه های آموزشی آن حضرت، از تنوع شایسته ای برخوردار بوده است. کارگاه های آموزشی کوتاه مدت، تربیت گام به گام، آموزش در خلال مناظرات و ارشاد و نصایح از جمله آن روش هاست.

## منابع

قرآن کریم

ابلاغ، عنایت الله (بی تا) الامام الاعظم ابوحنیفه المتکلم. امارات متحده عربی: المجلس الاعلى للشئون الاسلامیه.

احسائی، ابن ابی جمهور (۱۴۰۵ق) عوالی اللثالی. قم: انتشارات سیدالشهداء.

ألعلى، نورالدین (۱۴۲۰) الإمام الصادق كما عرفه علماء الغرب. بیروت: انتشارات دارالفکر.

انوری، حسن (۱۳۸۲) فرهنگ بزرگ سخن. تهران: انتشارات سخن.

جابرین حیان (۱۴۲۷ق) رسائل جابر بن حیان. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه.

حرالعاملی، محمدبن الحسن (۱۴۱۴ ق) وسائل الشیعہ. قم: موسسه آلالبیت لاحیاء التراث.

حیدر، اسد (۱۳۹۰ ق) الامام الصادق و المذاهب الاربعه. بیروت: انتشارات دار الکتب العربی.

دخیل، علی محمد (۱۴۱۵ ق) ائمتنا. بیروت: انتشارات دارالمرتضی.

سید امیر علی (۱۹۶۷ م) مختصر تاریخ العرب. بیروت: دارالعلم للملایین.

شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۴۲۵ ق) الملل و النحل. چاپ اول. بیروت: المکتب ها لعصریه.

صدوق، محمدبن علی (۱۴۱۲ ق) بنیابویه، مثلا یحضرها لفقیه. قم: انتشارات جامعه مدرسین.

صدوق، محمدبن علی بن بابویه (۱۴۰۳ ق) الخصال. قم: انتشارات جامعه مدرسین.

\_\_\_\_\_ (۱۳۶۲ ش) امالی. قم: انتشارات کتابخانه اسلامی.

\_\_\_\_\_ (۲۰۰۹ م) التوحید. بیروت: دارمکتب ها لهلال، چاپاول.

طبری، عمادالدین (۱۳۸۳ ق) بشارها لمصطفی. النجف الاشرف: انتشارات کتابخانه حیدریه.

طبرسی، احمد بن ابیطالب (۱۴۰۳ ق) احتجاج. مشهد مقدس: نشرمرتضی.

طبرسی، الفضل بن الحسن (بی تا) أعلام الوری باعلام الهدی. تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه.

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵ ش) تهذیب الاحکام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

\_\_\_\_\_ (بی تا) الفهرست. النجف. الاشرف: انتشارات المکتبه المرتضویه.

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ ق) استبصار. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

قاضی نعمان بن محمد (۱۴۱۲ ق) شرح الاخبار فی فضائل ائمه الاطهار. قم: النشرالاسلامی.

کشی محمدبن عمر (۱۳۴۸ ش) رجال. مشهد مقدس: انتشارات دانشگاه مشهد.

کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۱۸ ق) اصول الکافی. چاپ اول. تهران: دارالاسوه للطباعه والنشر.  
\_\_\_\_\_ (۱۳۶۳ ش) الروضه من الکافی. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.  
مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ق) بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار ائمه الاطهار. بیروت: دار احیاء التراث  
العربی.  
نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۳ ق) رجال. تحقیق سید موسی شبیری زنجانی. قم: موسسه النشر  
اسلامی.

